

نقش زنان در تأمین صلح

علی احمدی*

چکیده

صلح یک ضرورت جهانی است که ما با پرداختن روی چگونگی دست‌یابی به آن، ناگزیریم موضوعات نظیر حفظ حقوق شهروندان و دستاوردهای چند سال اخیر را در محور توجه خویش قرار دهیم. مهم‌تر از این، موضوع زنان و این‌که آنان چه نقشی را می‌توانند در روند صلح ایفا کنند، به یکی از دغدغه‌های مهم و بحث‌برانگیز مبدل شده است. مبتنی بر همین دغدغه، مقاله حاضر می‌کوشد تا نقش زنان را در تأمین صلح به عنوان یک بحث جدی و اساسی در این پروسه برجسته سازد و به این پرسش که «زنان در تأمین صلح چه نقشی دارند؟» پاسخ ارائه کند؛ زیرا زنان طی سالیان طولانی قربانی اصلی جنگ و خشونت در افغانستان بوده و اکنون با توجه به زمینه‌ای که فراهم شده است، می‌توانند در ترویج فرهنگ و ایجاد گفت‌وگوهای صلح با توجه به جایگاه‌شان در اسناد ملی و بین‌المللی، نقش مؤثر داشته باشند. این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی موضوع را بررسی کرده و نتایج آن نشان می‌دهد که زنان در تأمین صلح نقش چهارگانه‌ای را می‌توانند ایفا کنند. این نقش‌ها عبارتند از: نقش سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایجاد فضای گفت‌وگویی.

کلمات کلیدی: صلح، جنگ، زنان، طالبان، افغانستان.

* کارشناس امور سیاسی.

۱. مقدمه

با تجارب تلخی که جهانیان از جنگ و خشونت دارند، به خصوص دو جنگ جهانی اول و دوم که در آن خشن‌ترین نوع خشونت‌ها دامن‌گیر بشر شد و تعداد زیادی - اعم از زن، مرد و کودکان - را به کام مرگ فرو برد، پرداختن به بحث صلح یک ضرورت اساسی است. در افغانستان نیز با توجه به چهار دهه جنگ و ناآرامی، می‌بینیم که هنوز دامنه خشونت‌ها برچیده نشده و ضرورت جدی به برقراری صلح و پایان‌دادن به هم‌چون خشونت‌ها احساس می‌شود. در این زمینه، تا اکنون تلاش‌های زیادی صورت گرفته است. نمونه این تلاش‌ها در سطح جهانی، به تأسیس سازمان‌های بین‌المللی هم‌چون جامعه ملل و سازمان ملل متحد و صدور چندین اعلامیه و کنفرانس‌های بین‌المللی منجر شد. در کشور ما از کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱م به منظور تأسیس دولت ملی و تأمین صلح با حفظ برابری و ارزش‌های حقوق بشری، چندین همایش بزرگ و کوچک از لویه جرگه صلح گرفته تا گفتمان‌هایی در سطح دانشگاه‌ها، نمونه‌ای از این گونه تلاش‌ها است. با وجود این، تلاش‌های جامعه جهانی و حکومت افغانستان برای برقراری صلح در افغانستان از آغاز حکومت پساتالبانی تا کنون به موفقیت نایل نشده است. با دوام این تلاش‌ها، در حال حاضر، بیش‌تر از هر زمانی رسیدن به صلح نزدیک به نظر می‌رسد.

امروزه، نکته مهم در جهت تدمین صلح، تنها پایان‌دادن به جنگ و خشونت نیست؛ بلکه حفظ دستاوردهای چندین ساله دولت و موازین قانون اساسی که تأمین برابری زنان و مردان و حقوق شهروندی را می‌طلبند، نیز از نکات مهم این امر است. به باور تحلیل‌گران، بعد از توافق دوجانبه دولت امریکا و طالبان، مذاکرات بین‌الافغانی میان افغان‌ها و طالبان آغاز خواهد شد. دولت افغانستان نیز به این منظور در کنار شورای عالی صلح، وزارت دولت در امور صلح را ایجاد کرده و در تلاش سازمان‌دهی بهتر این پروسه است. یکی از مباحث اساسی فراروی شهروندان کشور در این پروسه، نقش و حضور زنان است. زنان افغانستان نیز با انرژی بیش‌تر از قبل، با تسریع روند صلح صداهای شان را بلند کرده‌اند و خواهان تأمین خواسته‌های شان‌اند. دولت افغانستان نیز بارها بیان کرده که حقوق و خواسته‌های شهروندان، به خصوص زنان، در مذاکرات صلح قابل معامله نیست. بحث دیگر چگونگی نقش زنان در تأمین صلح است. به همین منظور، مقاله حاضر می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که: زنان در تأمین صلح چه نقشی دارند؟ پرسش‌های فرعی فراروی این تحقیق عبارتند از: دیدگاه طالبان در مورد زنان چگونه است؟ طرف‌های پروسه صلح افغانستان چه کسانی‌اند؟ خواسته‌های زنان از این طرف‌ها چیست؟

به نظر می‌رسد که زنان من حیث قربانی مستقیم منازعات و خشونت‌ها در کشور همراه با مردان

می‌توانند صدای صلح‌خواهی سر دهند و طرف‌های درگیر منازعه را تشویق به برقراری صلح کنند؛ زیرا زنان با توجه به گذشته‌شان نشان داده‌اند که می‌توانند نقش سازنده‌ای را در فرایندهای صلح‌سازی و تأمین آن در منطقه و جهان بازی کنند.

هدف اصلی این تحقیق، روشن‌ساختن زوایای نقش زنان در تأمین صلح به عنوان یک بحث بنیادین در این پروسه است. این هدف از زوایای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی برجسته و تحلیل شده است. اهداف فرعی این مقاله معرفی طرف‌های درگیر در پروسه صلح است که در لابلای آن، زنان را از دیدگاه طالبان تبیین می‌کند و روی خواسته‌های‌شان از طرف‌های دخیل در پروسه صلح بحث می‌شود.

در شرایط کنونی کشور، بررسی نقش زنان در تأمین صلح یکی از مباحث اساسی است. امروزه، این موضوع یکی از موضوعات پر مناقشه در فضای رسانه‌ای کشور بوده و همواره پیرامون آن کنفرانس‌ها و همایش‌های بزرگ و کوچک برگزار شده است؛ اما این کنفرانس‌ها و همایش‌ها بیش‌تر غیر تخصصی و بعضی هم تخصصی بوده‌اند که مؤثریت آن‌ها در این رابطه غیر قابل انکار است. ولی متأسفانه تا اکنون ابیات مشخص که مبرهن نقش زنان در تأمین صلح باشد، تولید نشده است. با آن‌که اکثر زنان افغانستان خواهان اعاده نقش خود در به میان‌آوردن صلح‌اند و بیانیه‌های فراوانی در این مورد که زنان در تأمین صلح نقش دارند، داده شده است؛ اما هیچ‌گاهی سازوکار دقیقی که زنان چگونه در تأمین صلح می‌توانند نقش داشته باشند، ارائه نشده است و زنان افغان هم دیدگاه‌ها و درک مشخص در این مورد که چگونه می‌توانند در تأمین صلح نقش داشته باشند، ندارند و خلأهای فراوانی از این دست وجود دارد؛ بنابراین، گردآوری و بررسی این موضوع و تبیین آن از ابعاد متفاوت نشان‌دهنده ضرورت و اهمیت نگارش این مقاله است تا باشد که با معرفت از موضوع، جای خالی ابیات آن پر شود.

در نگارش این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی پیروی شده است و تلاش شده است تا موضوعات اساسی و دخیل در مسئله مورد نظر مطرح و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

۲. پیشینه تحقیق

پیش‌تر گفتیم، آثار و ابیات موجود در حوزه این تحقیق، پراکنده بوده و ابعاد مشخص این مقاله را شامل نشده و طور جامع بررسی نمی‌کند؛ ولی مقالات و تحقیقات فراوانی وجود دارد که به حوزه کلی فرایند صلح پرداخته‌اند که این اسناد، نقش زنان را به عنوان یکی از مباحث فرعی مطرح کرده‌اند و یا هم اسناد موجود از عدم انسجام در مورد موضوع «نقش زنان در تأمین صلح» برخوردارند. بدین جهت، مقاله حاضر نسبت به این اسناد، نوآوری و جوانب تازه‌ای را می‌گشاید. در ذیل به بررسی نکات

مهم بعضی از اسنادهای موجود می‌پردازیم.

دکتر الهه کولایی، استاد دانشگاه تهران، مقاله‌ای تحت عنوان «نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح در جهان» (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۳۷) نگاشته است. موصوف تلاش‌های جهانی را پیرامون نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح تبیین و قطع‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد و پیامدهای آن را بررسی کرده است. مقاله وی مصادیق خوبی از نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح در جهان را در اختیار ما قرار می‌دهد و یکی از اسناد برجسته در این حوزه است. موضوع این مقاله به عنوان یکی از مباحث اساسی پیرامون نقش زنان در تأمین صلح در مقاله حاضر بررسی شده است.

دکتر عمر صدر، تحقیقی تحت عنوان «فرایندهای صلح در افغانستان: دیدگاه‌های مردم» در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان منتشر کرده است. این تحقیق اطلاعات مفیدی پیرامون برداشت مردم از طالبان، ارزیابی فرایند کنونی صلح و نقش زنان در آن و فرایند صلح در بعد از سال ۱۳۸۰، در اختیار ما قرار می‌دهد؛ اما بازهم در این تحقیق به نقش زنان به طور کامل پرداخته نشده است؛ بنابراین، مقاله حاضر تلاش می‌کند این خلأها را رفع کند.

مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی، داده‌های خوبی را تحت عنوان «زنان، صلح و امنیت در افغانستان» تهیه کرده است. این مؤسسه تحقیق دیگری را نیز تحت عنوان «راه‌کار زنان افغان برای صلح در دهه تحول» در جولای ۲۰۱۵ منتشر کرده است. چنین تحقیقاتی از سوی چنین مؤسسات، داده‌های خوبی پیرامون زنان و صلح در اختیار ما قرار می‌دهند که نیاز است تا تحت عنوانی آورده و تحلیل شود؛ بنابراین، از این داده‌ها که مجموعه‌ای از دیدگاه‌های زنان افغان را تبیین می‌کنند، در رابطه با دیدگاه و خواسته‌های زنان پیرامون صلح در مقاله حاضر استفاده شده است.

از نظر سازمان‌دهی تحقیق، این مقاله از سه مبحث تشکیل شده است. در مبحث اول، شامل مفهوم‌شناسی صلح می‌شود. مبحث دوم، به معرفی طرف‌های درگیر در پروسه صلح پرداخته و مبحث پایانی، پیرامون زنان و صلح که دربرگیرنده سه گفتار اساسی و مطرح در این زمینه می‌باشد، پرداخته است. این گفتارها را بالترتیب، زنان از منظر طالبان، خواسته‌های اساسی زنان از طرف‌های پروسه و نقش زنان در تأمین صلح، تشکیل می‌دهند.

۳. معنا و مفهوم صلح

از نظر لغوی، واژه «صلح» به معنای «سازش کردن، آشتی کردن، آشتی و توافق» است (معین: «صلح»). در فرهنگ بزرگ سخن، از صلح به «حالتی که بر اثر پایان‌یافتن ناآرامی و جنگ به صورت دایم یا

موقت در یک منطقه یا سرزمین پدید می‌آید» و هم‌چنین «پایان یافتن ناسازگاری و اختلاف بین دو یا چند نفر معمولاً با دخالت و میانجیگری دیگران» (انوری: «صلح»)، تعریف شده است. در ادبیات قدیم زبان دری، این واژه به معنای مقابل حرب و جنگ استعمال شده است («صلح چیست؟»، ۱۳۹۵: ۱۳). در مفهوم امروزی، صلح را نباید با نبود جنگ یکی دانست و بین این مفهوم و مفهوم آتش‌بس خلط ایجاد کرد؛ زیرا صلح به معنای قطع جنگ و پایان دادن به آن است و برای بازگشت به وضع جنگی، اعلان جنگ از جانب یکی از طرفین الزامی است؛ اما آتش‌بس به حالتی که در آن طرفین درگیر به صورت یک‌جانبه یا دوجانبه تحت شرایط خاص از جنگ دست می‌کشند، اطلاق می‌شود. این واژه در اصطلاحات سیاسی، به هرگونه «اقدامی که برای ایجاد تفاهم و توافق میان طرف‌های درگیر به شیوه‌ای آشتی‌جویانه انجام گیرد»، تعریف شده است («صلح چیست؟»، ۱۳۹۵: ۱۳).

این واژه در افغانستان به صورت بومی به کار می‌رود. اصطلاح بومی برای «reconciliation» در فارسی و پشتو «آشتی» است. آشتی شامل رسیدگی به اعتراضات طرفین و حل آن می‌شود. بر علاوه، واژه عربی «مصالحه» که اشاره به سنت‌های بومی برقراری صلح پس از اختلاف در میان جوامع مختلف دارد، نیز در افغانستان استفاده شده است (صدر، ۱۳۹۷: ۶۶). در کشور ما، سه دیدگاه نسبت به صلح مطرح شده است. دیدگاه نخست، دیدگاه دولت افغانستان نسبت به صلح است که با سازوکارهای شورای عالی صلح و وزارت دولت در امور صلح، در جست‌وجوی تأمین صلح است. دیدگاه دیگر، دیدگاه منتقدان دولت است. از این دید، حکومت نباید در برابر طالبان بحث آشتی را به میان آورد؛ بلکه با استفاده از قدرت و زور آن‌ها را مجبور به تسلیم ساخته و در نتیجه امنیت را در کشور برقرار سازد. دیدگاه سوم، دیدگاه مخالفین حکومت (طالبان) است. اینان، صلح را به معنای تسلیمی و تن‌دادن به قدرت طرف مقابل معنا می‌کنند. بدین جهت است که تا کنون حاضر نیستند با دولت افغانستان به گفت‌وگوهای صلح بپردازند؛ زیرا این صلح را به منزلهٔ ضعف‌شان می‌پندارند (مشارکت زنان در پروسهٔ صلح و امنیت: ۲۰۱۷). این سه دیدگاه همواره از زبان تحلیل‌گران و سیاست‌مداران افغان در مباحث مربوط به صلح شنیده شده است. در این بخش، مواضع، مذاکره، تبادل خواست‌ها و گفت‌وشنودها بین طرفین و بالاخره قبول و توافق روی حرف‌های معقول و پسندیده به عنوان دیدگاه میانه در مورد معنای صلح مطرح است (وفایی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۶).

۴. طرف‌های درگیر در پروسهٔ صلح

همان‌طوری که می‌دانیم، جنگ جاری در کشور ما، جنگ تحمیلی از سوی بیگانگان است. وجود پناه‌گاه‌های فرامرزی برای شورشیان، حضور نیروهای خارجی در کشور و اختلافات تاریخی و مرزی

با پاکستان، به تشدید این درگیری‌ها در کشور اضافه کرده است (صدر، ۱۳۹۷: ۵۶). بدین لحاظ، این کشورها در پروسه صلح افغانستان دست به مداخله می‌زند و این سبب شده است تا ما در تعیین طرف‌های صلح که می‌باید فقط دولت افغانستان و طالبان را مورد بحث قرار دهیم، طرف سوم را نیز مورد توجه قرار دهیم.

۴-۱. طالبان

طالبان، رژیمی که به رهبری ملا محمد عمر ایجاد و به دلیل تعبیر تند از اسلام، به سرعت در سراسر جهان مشهور شد (نکلسبرگ، بی تا: ۵۴). این گروه از نظر مذهبی، پیرو مذهب اهل سنت، یکی از مذاهب اسلامی، بوده (حاجی خادمی، ۱۳۹۵: ۱۸) و از مولانا سمیع الحق، رهبر جمعیت‌العلماء در ایالت بلوچستان و سند پاکستان به عنوان رهبر فکری و بانی ایده این گروه یاد شده است (حاجی خادمی، ۱۳۹۵: ۲۵). اولین واحدهای این گروه متشکل از ۸۰۰ چریک در ناحیه کویته در نزدیکی مرز جنوب غربی افغانستان تشکیل شدند (گانگوفسکی، ۱۳۷۶: ۱۴۴). این نام در افغانستان بار اول در سال ۱۹۹۴م به عنوان یک گروه جدید مسلح در گزارش‌ها دیده شد (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۴). در ماه مارچ سال ۱۹۹۵م این واحدها بخش بزرگی از ایالات جنوبی افغانستان را تحت کنترل خویش درآوردند و در خزان سال ۱۹۹۶م، بزرگ‌ترین شهرهای کشور را متصرف شدند (گانگوفسکی، ۱۳۷۶: ۱۴۵). بعد از آن، این گروه با مستقرشدن در کابل، امارت اسلامی را در افغانستان ایجاد کردند و تا سال ۲۰۰۱م بر سر قدرت بودند. در این سال، بر اثر اتفاقات ۱۱ سپتامبر، در ۱۷ اکتبر، حملات هوایی نیروهای امریکایی در افغانستان آغاز شد و با کمک نیروهای داخلی هم چون ائتلاف شمال و قبایل پشتون‌های جنوب، ادامه یافت (جی. کالینز، ۱۳۹۶: ۵۱) و به حکومت طالبان، پایان داده شد.

۴-۲. زنان از نظر طالبان

نوع دید طالبان به زنان، مهم‌ترین شاخص رویارویی این گروه با سازمان ملل و دولت‌های غربی بود (مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۲۸). هرچند بافت اجتماعی افغانستان طوری است که در آن نوعی ارزش‌های ذهنی و رفتاری مردسالارانه و سنتی حاکم است و این ارزش بدون استثنا قومی-مذهبی از دیرزمانی در این سرزمین وجود داشته است، در این میان اما رویکرد طالبانی که در باب آزادی و فعالیت زن در جامعه حاکم شده بود، نوع نگاه به بخش اعظم جامعه ما را نشان می‌دهد که ریشه در ساختارهای ذهنی و رفتاری سنتی جامعه افغانستان دارد و به دلیل فضای خاص سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای به طالبان نسبت داده می‌شود (مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). به طور مثال: زمانی که برنامه تغییر در وضعیت زنان

افغانستان توسط امان‌الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹) آغاز شد، ایجاد مدارس دخترانه و برنامه‌های آموزشی زنان و رفع حجاب، مهم‌ترین تحولات این دوره بود. این تحولات، با واکنش سران قبایل و خانواده‌های سنتی مواجه شد. همسر امان‌الله خان بدون حجاب در انظار عمومی ظاهر شد. این اصلاحات او را در مقابل شورش‌های قبایلی قرار داد و در نهایت به فروپاشیدن حکومت او انجامید. این نشان می‌دهد که قبل از طالبان آموزه‌های سنتی در کشور حاکم بوده و زنان در حاشیه جامعه قرار داشته‌اند (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

در رویکرد طالبان، تضادهای زیادی در مورد دیدگاه‌شان درباره زنان دیده می‌شود. به طور نمونه: طالبان اصولاً با تحصیل زن و حضور وی در اجتماع نظر مساعدی نداشتند؛ اما جالب این‌جا است که ملا محمدغوث، یکی از رهبران طالبان، بعدها گفت: «این که می‌گویند طالبان مخالف تحصیل زن هستند، حقیقت ندارد. من خودم آرزو دارم که همسر آینده‌ام دکتر باشد!» (حاجی خادمی، ۱۳۹۵: ۱۳). والی طالبان برای ولایت هرات در مصاحبه‌ای، موضع طالبان در مورد زنان را به صراحت چنین بیان می‌کند: «همه افغانستان افتخار می‌کند که ما زنانمان را در خانه نگه داشته‌ایم... شرع مقدس نحوه رفتار همه را مشخص کرده است. منظور این است که شرع اجازه می‌دهد زن اگر مریض شد، پیش پزشک مرد برود. در حقیقت، حقوقی که ما به زنان داده‌ایم، هیچ کشوری به آن‌ها نداده است. ما حقوقی را به زنان داده‌ایم که خدا و رسولش تعیین کرده‌اند و آن نشستن در خانه و رعایت حجاب اسلامی است.» (مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

بعد از تحولات عظیمی که در جامعه افغانستان به میان آمد، اصلاحات گسترده‌ای در قبال حقوق زنان اعم از حق تحصیل و ... در بعد از سرنگونی حکومت طالبان رونما شده است که همواره از آن به عنوان یک دستاورد کلان یاد می‌شود. پرسش این‌جا است که آیا هنوز هم طالبان در صدد برقراری همان نظم سنتی در افغانستان‌اند. این پرسش را خانم فوزیه کوفی که در نشست مسکو اشتراک کرده بود، چنین پاسخ داده است: «از دید طالبان، زنان حق فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه را دارند. از دیدگاه طالبان زنان می‌توانند نخست‌وزیر و یا وزیر شوند؛ ولی نمی‌توانند رییس مملکت شوند. به گفته وی، طالبان خواستار حقوق زنان در پرتو شریعت اسلامی بودند.» (بررسی نشست مسکو، ۱۳۹۷: ۵). پس دیده می‌شود که طالبان در نهایت به حقوق زنان احترام خواهند گذاشت. در این میان، چیزی که به نظر نگارنده مهم است، این است که زنان باید با خواسته‌های مشخص در قبال پروسه صلح و تأمین آن عمل کنند. ادامه این مورد را در مبحث بعدی، پس از اشاراتی کوتاه به دولت افغانستان و سایر کشورها که طرف‌های دیگر درگیر در پروسه صلح افغانستان هستند، خواهیم داشت.

۴-۳. دولت افغانستان

با صرف نظر از این قضاوت که دولت افغانستان در تأمین صلح کامیاب بوده است یا ناکام و یا این که به عنوان جانب اصلی در پروسه صلح با طالبان تا هنوز مطرح بوده یا خیر، دولت افغانستان تلاش‌های زیادی را برای برقراری صلح انجام داده است. به طور مثال: ایجاد شورای عالی صلح در ماه اکتبر سال ۲۰۱۰م که ضرورت این شورا از سوی لویه جرگه مشورتی صلح مطرح شده بود تا این شورا ابتکار عمل در مذاکرات صلح از جانب دولت افغانستان را به دست گیرد و طالبان با این شورا به عنوان یکی از طرف‌های صلح مذاکره کند (کریمی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۴۰). اما طالبان حضور نیروهای خارجی در افغانستان را به مثابه اشغال افغانستان می‌دانند و در مذاکرات شان شورای عالی صلح و یا دولت افغانستان را طرف نمی‌دانند (کریمی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۴۴). نمونه دیگر از تلاش‌های دولت افغانستان برای برقراری صلح، برنامه «صلح و ادغام مجدد افغانستان» بود. این برنامه بر اساس فرمان ۲۹ جون ۲۰۱۰م رئیس جمهور کرزی که مفاد آن متوجه کمک به آن دسته از شورشیانی است که خشونت را رها کرده‌اند و قانون اساسی را پذیرفته‌اند تا باشد به این روش، شورشیانی را که به این پروسه پیوسته‌اند، به جوامع شان بازگرداند که تعدادی از افغان‌ها در سراسر کشور از این برنامه انتقاد و در مورد نتایج آن ابراز نگرانی کردند (گفت‌وگوی مردم افغانستان پیرامون صلح: ۱۷).

با این حال، ایجاد یک وزارت با عنوان «وزارت دولت در امور صلح»، ابتکار و نمونه تازه‌ای از تلاش‌های حکومت افغانستان برای تأمین صلح است و به همین دلیل، ایجاد این وزارت از سوی پارلمان کشور نیز مورد تأیید قرار گرفته است (بی‌بی‌سی: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۹). به تازگی روزنامه هشت صبح به نقل از سخن‌گوی این وزارت گفته است که حکومت آینده افغانستان با طالبان مذاکره می‌کند (اسیر، ۲۰۱۹: بند ۱-۳). پس در نتیجه، مقاله حاضر جوانب پروسه صلح افغانستان را، طالبان، حکومت افغانستان و کشورهای خارجی مخصوصاً امریکا می‌داند.

۴-۴. کشورهای خارجی بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

به درازکشیدن جنگ در افغانستان، پای تعداد زیادی از سهام‌داران و ذی‌نفعان بین‌المللی را در مسئله صلح باز کرده است. گفت‌وگوهای دیپلماتیک شوریهایی هم‌چون ناروی، آلمان، بریتانیا، ایالات متحده امریکا، عربستان، قطر، امارات متحده عربی، ترکیه، ایران، روسیه و چین با طالبان، پیچیدگی این موضوع را افزایش داده و این عامل، چشم‌انداز یک اجماع ملی را برای صلح در افغانستان کاهش داده است. در این میان، ایالات متحده امریکا و دولت افغانستان به عنوان طرفین درگیری، قادر به اجماع در میان بازیگران بین‌المللی نبوده‌اند (صدر، ۱۳۹۷: ۵۷). به طور مثال: در دلو سال ۱۳۹۶، دیدیم که روسیه

خواستار مذاکرات مستقیم میان دولت افغانستان و طالبان شد و گفت که این مذاکرات را تسهیل و میزبانی می‌کند و به همین هدف در ۱۳ سنبله ۱۳۹۷ نمایندگان طالبان در نشستی که مسکو برنامه‌ریزی کرده بود، دعوت شدند؛ اما این نشست بعداً به تعویق افتاد. بر علاوه روسیه و چین خواهان افزایش سهم سازمان شانگ‌های در این پروسه‌اند. نشست چهارجانبه تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و روسیه در دوشنبه (۱۳۸۸)، ابتکار بیشکیک قرقیزستان (۱۳۸۸)، پیشنهاد قزاقستان در کنفرانس آلماتی (۱۳۹۱)، پیشنهاد ازبکستان در مورد گروه تماس ۳+۶ که عبارتند از شش کشور همسایه افغانستان به علاوه ناتو، روسیه و امریکا و کنفرانس تاشکند در سال ۱۳۹۷، از نمونه‌های دیگر دخالت کشورهای خارجی در این پروسه است (صدر، ۱۳۹۷: ۵۷-۵۸).

با آن‌که این تلاش‌ها بدون خط‌مشی واحد از سوی هر کشور ذی‌نفع در افغانستان ادامه دارد و بررسی همه‌جانبه عملکرد تمام کشورها از حوصله این مقاله خارج است؛ اما در این میان، ایالات متحده نسبت به هر کشوری ابتکار عمل بیش‌تر داشته است. رئیس‌جمهور این کشور در چهارم سپتامبر سال ۲۰۱۸، زلمی خلیل‌زاد را به عنوان نماینده خاص خود در امور صلح افغانستان تعیین کرد؛ اما تلاش‌های وی نیز با مذاکرات طولانی و دوره‌ای تا اکنون نتیجه‌ای که به ختم جنگ بینجامد، در پی نداشته است (روبین، ۱۳۹۸: ۶). یافته‌های یک تحقیق نیز نشان می‌دهد که طالبان حضور نیروهای خارجی را عامل اصلی منازعه دانسته و دولت افغانستان را غیر مشروع و دست‌شونده می‌پندارند و به همین دلیل، طرف اصلی مذاکره برای صلح را دولت امریکا می‌دانند (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۴). این مسئله روشن ساخته است که فعلاً تنها طرفی که در پروسه صلح با طرف طالبان نزدیک‌تر است، خلیل‌زاد و جانب امریکا می‌باشد؛ ولی نمی‌توان نقش سایر کشورها را نادیده گرفت.

۵. زنان و صلح

بدین ترتیب، تلاش‌ها برای برقراری ثبات و آزادی پایدار در افغانستان در دو مرحله به اجرا درآمده است: مرحله اول، از ماه اکتبر-مارچ سال ۲۰۰۱م بود که به «عملیات انتقال از جنگ به ثبات» مسمی شد. مرحله دوم، شامل برنامه تدریجی‌ای بود که از سال ۲۰۰۲م شروع و تا فعلاً ادامه دارد (جی. کالینز، ۱۳۹۶: ۵۲). برقراری صلح مسالمت‌آمیز در افغانستان، محور این برنامه تدریجی است که از سال ۱۳۸۲م تا حال، سه مرحله را پشت سر گذرانده است. مرحله اول، مرحله عدم قطعیت در رابطه با چگونگی برخورد با طالبان بوده است که در این رویکرد طرفین در این امر در حالت گنگ به سر می‌برند. مرحله دوم، رویکرد دوجانبه به خود گرفت. با پایان ناکام تلاش‌های صورت گرفته در مرحله اول، در این مرحله همزمان با مذاکرات سیاسی در سطح بالا، برای ادغام مجدد در سطح پایین نیز

تلاش شد. در این مرحله، بین امریکا و دولت افغانستان روی سه اصل محکومیت خشونت توسط شورشیان، احترام به قانون اساسی و قطع روابط با گروه‌های تروریستی، توافق شد. این توافق، زمینه مذاکرات احتمالی امریکا را با طالبان در مورد صلح فراهم ساخت. تصویب برنامه صلح، برگزاری لویه جرگه مشورتی صلح و ایجاد شورای عالی صلح از موجبات رویکرد دوجانبه ادغام مجدد در سطح پایین و مصالحه سیاسی در سطح بالا می‌باشد (صدر، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۶).

مرحله سوم، مرحله فعلی است. مشخصه محوری این مرحله، شتاب‌زدگی برای یک معامله سیاسی در این فرایند می‌باشد. در این مرحله، طرف‌های درگیر در پروسه صلح به درستی شناسایی شده‌اند. دولت افغانستان و جامعه جهانی، به خصوص ایالات متحده امریکا، در یک طرف و طالبان در طرف دیگر برای رسیدن به توافق سریع سیاسی برای مذاکره صلح تلاش می‌کنند (صدر، ۱۳۹۷: ۱۹-۲۰). در این میان، لازم است تا بحث زنان و صلح مورد بررسی قرار گیرد. برای این بحث لازم است در ابتدا به اختصار خواسته‌های زنان را از طرف‌های پروسه صلح مورد ارزیابی قرار دهیم و سپس روی این نکته که زنان چه نقشی در تأمین صلح دارند، به تفصیل بپردازیم.

۵- ۱. خواسته‌های زنان از طرف‌های دخیل در پروسه صلح

در تأمین صلح پایدار، در نظر گرفتن خواسته‌های مردم و به ویژه زنان امر حیاتی شمرده می‌شود؛ زیرا پیامد ناگوار هر جنگی ۹۰ فیصد متوجه غیر نظامیان، به خصوص زنان و اطفال است (شادمانی، ۱۳۹۵: ۷۸). روی همین اساس، یافته‌های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، در سفارشات هفت‌گانه برآمده از یک تحقیق پیرامون صلح، «خواسته‌های قربانیان جنگ باید در نظر گرفته شود» را به عنوان یکی از سفارشات مطرح کرده است (سجاد، ۱۳۸۹: ۶). حال، پرسشی که این‌جا مطرح می‌شود، این است که زنان چه خواسته‌هایی از طرف‌های پروسه صلح به ویژه دولت افغانستان و شرکای بین‌المللی دارند؟

مهم‌ترین دغدغه زنان در پروسه صلح، چگونگی حضور آنان در این پروسه است. اکثر زنان قبل از هر چیزی، از طرف‌های پروسه صلح خواسته‌اند تا در جریان مذاکرات حضور داشته باشند. یک گزارش نشان می‌دهد که افغان‌ها- اعم از زن، مرد و جوانان- در کل به این نظر هستند که شامل بودن زنان در ابتکارات صلح خیلی با اهمیت است. این گزارش از یکی از اشتراک‌کنندگان نقل می‌کند: «در پروسه صلح، حقوق بشر و به ویژه حقوق زنان باید احترام گردد. گروه‌های مسلح باید قانون اساسی افغانستان را احترام و قبول کنند.» («گفت‌وگوی مردم افغانستان پیرامون صلح»، ۱۳۹۳: ۲۸). بر اساس این گزارش، از دولت و جامعه بین‌المللی خواسته شده است تا فرصت دهد که در تمام ابتکارات

صلح به معنای درست مشارکت و رزند («گفت‌وگوی مردم افغانستان پیرامون صلح»، ۱۳۹۳: ۳۵). به این دغدغه زنان از جانب دولت در ساختار نهادهای درگیر صلح مثل شورای عالی صلح تا اندازه‌ای چراغ سبز نشان داده شده است. به طور مثال: شورای عالی صلح دارای یک تن معاون زن و دو تن مشاور زن می‌باشد که عضویت رهبری شورای مذکور را دارا است («صدای زنان افغان»، ۲۰۱۶: ۲).

اما آیا فقط حضور زنان در ساختار چنین نهادها کفایت؟ به نظر نگارنده، پاسخ این پرسش منفی است؛ زیرا زنان علاوه بر حضور، باید تعریف روشن از خواسته‌های‌شان داشته باشند؛ موردی که زنان افغان، با حضور در چندین نشست مستقیم با نمایندگان طالبان، از آن برخوردار نبودند و صحبت‌های متفاوت در خصوص حقوق و خواسته‌های‌شان داشتند. شاید این تنها دلیلی باشد که زنان از حکومت وحدت ملی خواسته‌اند تا شرکت‌کنندگان زن را در مذاکرات صلح بر بنیاد دانش آن‌ها در مورد مسائل مربوط، مهارت‌های سخنرانی و مهارت‌ها در عرصه تصمیم‌گیری، مذاکره، میانجیگری و ایجاد تفاهم و توافق، برگزینند («صدای زنان افغان»، ۲۰۱۶: ۴).

در مجموع، زنان اظهار داشته‌اند که به عنوان پیش شرط برای مذاکرات باید حداقل تشریح نمایند که آزادی‌های اساسی زنان به هیچ وجه محدود نشوند. طرف‌های مذاکره‌کننده باید قانون اساسی افغانستان را جدراً در نظر گرفته و طالبان تضمین کنند که با ایمان راسخ مذاکره کرده و در جهت تأمین امنیت با شرایط وضع شده دوباره دست به جنگ و خشونت نزنند و تعهد به وعده‌ها و همکاری همه‌جانبه نمایند. در خصوص منافع زنان، زنان از دولت و طالبان می‌خواهند تا حفاظت از دستاوردهای چندین ساله زنان را تضمین کنند. در مطابقت با قرآن و قوانین نافذ افغانستان اطمینان دهند که حقوق بشر از ایشان سلب نخواهد شد. در این میان، محافظت از قانون اساسی مهم‌ترین موضوع در مباحث مشورتی بوده است (پارتیس جیننگ و ماری، بی تا: ۱۴).

۵-۲. نقش زنان در تأمین صلح

برای تأمین صلح پایدار، مشارکت و نقش زنان یک اصله است. روی همین اصل و تلاش‌های فعالان بین‌المللی حقوق زنان، شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۳۷۹ هـ.ش، قطع‌نامه ۱۳۲۵ را درباره زنان، صلح و امنیت به تصویب رساند (صدر، ۱۳۹۷: ۵۱). این قطع‌نامه اولین سند بین‌المللی درباره صلح و امنیت است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای در امر مشارکت زنان در پروسه‌های صلح و امنیت برخوردار است. این قطع‌نامه دارای ۱۸ ماده بوده که در سطح بین‌المللی از سال ۲۰۰۰ م به این طرف به عنوان یک سند حقوقی الزام‌آور شناخته می‌شود. دولت افغانستان به منظور تطبیق مؤثر این قطع‌نامه، «پلان عمل ملی» را با چهار رکن اساسی (مشارکت، محافظت، جلوگیری، رفاه و بهبود)، ۲۵

هدف و ۳۹ شاخص، ترتیب و به تاریخ ۹ سرطان ۱۳۹۴ توسط محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری، در مقر وزارت خارجه رونمایی کرده است (پلان عمل ملی، ۱۳۹۸: مقدمه).

با این حال، در کشور ما نقش زنان بر اساس بیانیه سیاسی منتشر شده زنان در مورد صلح، امنیت و مشارکت سیاسی، توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، با چالش‌هایی هم‌چون برخورد سیاسی و دوگانه، موجودیت تبعیض جنسیتی، مشارکت ضعیف، اختلاف نظر در تصامیم و موضع‌گیری‌ها روبه‌رو بوده است (ناشناخته، ۱۳۹۶: ۴-۶). با عبور از این چالش‌ها، زنان افغانستان به عنوان متضرر اصلی جنگ باید خودشان در مورد آینده و جایگاه‌شان تصمیم بگیرند و به هیچ‌کس اجازه استفاده از سهم آنان در هیچ عرصه‌ای را به‌شمول مصالحه ندهند (موحد، ۱۳۹۷: بند ۲۴). به بیان دیگر، خودشان در تأمین صلح نقش داشته باشند. پس زنان برای صلح چه می‌توانند یا چه نقش دارند؟ سؤالی که دریافت پاسخ آن به معنای روشن‌ساختن نقش اساسی و بنیادین زنان در تأمین صلح است؛ بنابراین، مقاله حاضر، دریافت نقش زنان در تأمین صلح را روی موضوعات زیر متمرکز ساخته است.

۵-۲-۱. نقش اجتماعی

همان‌گونه که می‌دانیم، اکثریت افغان‌ها دور از شهرها و در دهات زندگی می‌کنند و هنوز هم در این مناطق زنان تحت تأثیر جو سنتی جامعه قرار دارند؛ هرچند این فضا با روند حکومت‌داری جدید در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ تغییر کرده و دوران سیاهی را که زنان سپری کرده بودند و آنان را از فعالیت‌های اجتماعی بازداشته بود، در حال تمام‌شدن است و زنان افغان در ساختار نهادهای مدنی و تجاری مشغول فعالیت شده‌اند. مهم‌تر این‌که زنان در نهادهای مدنی و نهادهای مدافع حقوق زنان مشغول فعالیت شده و عمده‌ترین فعالیت‌های آن‌ها دفاع از حقوق زنان می‌باشد. همان‌طوری که این نهادها می‌توانند در راستای مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی زنان دادخواهی و از حقوق‌شان دفاع نمایند، به همان‌گونه موضوع صلح را نیز می‌توانند پرورش داده و نهادینه سازند (محمدی، ۱۳۹۳: ۳).

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

تهداب نقش زنان در تأمین صلح از اجتماع سرچشمه می‌گیرد. سرچشمه این نقش با پرورش اطفال و تربیت آنان آغاز می‌شود و تا تحویل‌دهی آنان به عنوان یک نسل روشن که برای پایان‌دادن به منازعات تلاش می‌کنند، ادامه می‌یابد. در یک جمع‌بندی از این نقش می‌توانیم بگوییم بستر ترویج فرهنگ صلح در اجتماع شکل می‌گیرد. تا زمانی که در اجتماع، اجماع نظر در بین زنان به میان نیاید، زنان نمی‌توانند به درستی در فضای سیاسی و گفتمانی صلح نقش ایفا کنند؛ بنابراین، در گفتارهای جداگانه ابعاد این جمع‌بندی را روشن می‌سازیم.

۵-۲-۲. نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح (نقش فرهنگی)

سازمان ملل متحد که وظیفه اصلی آن حفظ و تقویت صلح و پیش‌گیری از وقوع جنگ و درگیری‌های مسلحانه است، فرهنگ صلح را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و روش‌های زندگی که خشونت را نفی و از منازعه پیش‌گیری می‌کنند و می‌کوشند ریشه‌های درگیری را شناسایی کنند و از طریق گفت‌وگو بین افراد، گروه‌ها و ملت‌ها آن‌ها را حل کنند، تعریف کرده است («صلح و راه رسیدن به صلح»، بی تا: ۲).

یونسکو به عنوان سازمان علمی- فرهنگی ملل متحد، فرهنگ صلح را فرایند دگرگونی فردی، جمعی و نهادی می‌داند. این فرهنگ به پرورش و ترویج اعتقادات و اقداماتی منجر می‌شود که مردم هر کشور، به تناسب ساختارهای ویژه تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی خود به آن عمل می‌کنند. تأکید بر تبدیل رفتارهای خشونت‌آمیز به همکاری بر پایه ارزش و اهداف مشترک در تداوم ترویج این فرهنگ شکل می‌گیرد. ایجاد این فرهنگ با اقدامات جامع آموزشی، اجتماعی و مدنی شکل می‌گیرد. احترام و صیانت از حقوق بشر برای اجرای این سیاست ضروری تلقی می‌شود. جامعه مدنی، رسانه‌ها و افراد نخبه و برگزیده و تأثیرگذار بر مردم در مسیر ترویج این فرهنگ بسیار مؤثر است (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۴۸-۲۴۹).

دانستیم که فرهنگ صلح نقش کاربردی در برقراری صلح و پایان‌دادن به مخاصمات دارد. در جهت ترویج و تعلیم فرهنگ صلح، توانمندسازی زنان برای مشارکت دموکراتیک ضروری است (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۴۹). روی این ضرورت در افغانستان، امروز شمار دختران دانشجو در دانشگاه‌ها رو به افزایش است و حدود ۴۰ فیصد متعلمین مکاتب دختران هستند. تعدادی زیادی از زنان امروز معلم مکتب و یا هم در سایر نهادها حضور دارند («بدون توانمندسازی زنان صلح نمی‌آید»، ۲۰۱۹: بند ۳). به تلاش‌های صورت‌گرفته روی توانمندسازی زنان می‌توان به عنوان یک ظرفیت بزرگ که در نهادینه‌سازی فرهنگ صلح مؤثر است، تکیه کرد.

بنیاد اندیشه

نقش زن (مادر) در رابطه به کسانی که در صحنه جنگ حضور دارند، به خصوص آنانی که در جبهه طالبان می‌جنگند، فوق‌العاده مؤثر است؛ زیرا مادران افغان در نزد فرزندان‌شان از احترام خاص برخوردارند و هدایات مادران در زندگی فرزندان‌شان تأثیر حیاتی دارد. در این‌جا است که زنان (مادران) می‌توانند فرزندان خویش را از پیوستن به گروه‌های دهشت‌افکن باز بدارند. نقش دیگر زن در این‌جا نقشی است که در تربیت فرزندان‌شان دارند. مطمئناً وقتی طفلی به درستی تربیت شود و به درستی تعلیم و دانش فراگرفته باشد، از درک و ذهنیت بالایی برخوردار خواهد بود. نتیجه این فرایند،

به نهادینه‌سازی درست فرهنگ صلح بستگی دارد و آنانی که در چنین محیطی سر برافراشته باشند، به راحتی فریب نخواهند خورد و در تلاش برای برقراری صلح را در عوض رفتن به جبهات جنگ ترجیح خواهند داد (محمدی، ۱۳۹۳: ۳).

۵-۲-۳. نقش زنان در ایجاد گفتمان‌های صلح

در شرایط کنونی، ایجاد گفتمان‌ها و مباحثات پیرامون صلح، مبرم‌ترین و اساسی‌ترین گام جهت زمینه‌سازی صلح است. در گفت‌وگو و مباحثه است که می‌شود یک دیدگاه همه‌شمول پیرامون صلح و چگونگی تأمین آن به وجود آورد. دیدگاهی که در این مورد بیش‌تر جلب توجه می‌کند، دیدگاه فمینیست‌ها است. این دیدگاه، خشونت‌آمیز بودن گفتمان مردان در معادلات استراتژیک را برجسته می‌سازد. اینان معتقدند که مردان در تحلیل راهبردی فقط بر اساس عقلانیت تصمیم گرفته و عمل می‌کنند، بدون این‌که به اخلاق و ارزش‌های انسانی به صورت اساسی توجه کنند. البته، این دیدگاه تا جایی یک نوع اعمال تبعیض علیه مردان است و نباید به این موضوع در یک قلمرو انحصاری بحث کرد (شادمانی، ۱۳۹۵: ۷۷).

طوری که قبلاً اشاره شد، ظرفیتی که زنان بتوانند صداهای پراکنده‌شان را به مباحث گفتمانی مبدل کنند، در میان زنان افغان خصوصاً قشر تحصیلکردگان رو به افزایش است. به طور مثال: آنچه را امروز فعالین حقوق زنان تحت عناوین کنفرانس‌ها و همایش‌های صلح و نقش زنان در آن به گونه غیر رسمی برگزار می‌کنند، برای تأمین صلح نقش بارز خواهند داشت. انرژی و حضور فعالان حقوق زن در فعالیت‌های غیر رسمی نشان می‌دهد که باید به زنان در فعالیت‌های رسمی نقش داد.

۵-۲-۴. نقش سیاسی

به این نقش باید به عنوان اوج نقش زنان در تأمین صلح نگاه کرد. چنین نقش در جوامعی که هنوز دموکراسی پا نگرفته باشد، ملموس نخواهد بود. در دموکراسی نیم‌جان کشور ما، پس از سال ۲۰۰۱ و تصویب قانون اساسی جدید، زمینه فعالیت‌های سیاسی برای زنان در فضای بدون تبعیض تسجیل یافته است (قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲: ماده ۲۲). در سایه این قانون اساسی، زنان افغانستان اکنون از تجربه و پختگی سیاسی در عرصه‌های گوناگون و از آن جمله در دخالت مستقیم در سیاست‌های کلان ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردارند («مشارکت صلح در فرایند صلح»، ۱۳۹۶: بند ۸). به طور مثال: با حمایت این قانون اساسی، ۶۸ کرسی پارلمان به زنان اختصاص یافته است. در کنار این، ما شاهد حضور زنان در ساختار رهبری و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای سیاسی و دولتی در کشور هستیم؛ بنابراین، با ظرفیت به‌وجودآمده در زنان در بحث تأمین صلح، آنان

می‌توانند از بعد سیاسی در چهار کتگوری ذیل نقش ایفا کنند.

۵-۲-۴-۱. به حیث عاقدین

این نقش بدین معنا است که زنان با رهبری برخی از مأموریت‌های فرعی یا اصلی مذاکره‌کننده‌گان در انتهای موفقانه مذاکرات و گفت‌وگو، صلاحیت تصمیم‌گیری، عقد و امضای موافقت‌نامه را داشته باشند.

۵-۲-۴-۲. به حیث مدیران تسهیل‌کننده

برای زنان اجازه داده شود- چه در ترکیب مأموریت‌های مذاکره‌کننده، چه در داخل گروه‌های مذاکره‌کننده و چه در بیرون گروه رسمی مذاکره‌کننده- به حیث تیم سایه به حیث تسهیل‌کننده، نقش خود را ایفا کنند.

۵-۲-۴-۳. به حیث ناظر و گروه فشار

با حضور زنان در ترکیب هیأت‌های مذاکره‌کننده، گروهی از زنان بایست در حاشیه مذاکرات به حیث ناظر و گروه فشار موجود باشند.

۵-۲-۴-۴. به حیث مذاکره‌کننده‌گان

زنان برای تأمین صلح باید در ترکیب گروه مذاکره‌کننده اصلی باشند. باید در نظر داشت زنانی که به این منظور انتخاب می‌شوند، بر علاوه مواصفات و شایستگی با در نظر داشت حساسیت‌های دینی و محیطی این مأموریت، باید از شهرت خوب اخلاقی و سجایای نیک برخوردار باشند («مشارکت زنان در فرایند صلح»، ۱۳۹۶: بند ۸).

با در نظر داشت این چهار نقش در بعد سیاسی، انتظار می‌رود تا جوانب درگیر در پروسه صلح به نقشی که زنان در تأمین صلح دارند، تن دهند و در مذاکرات صلح به زنان با درک و آگاه کشور فرصت داده شود تا نمایندگی از نیم جامعه که زنان‌اند، بنمایند.

۶. نتیجه‌گیری

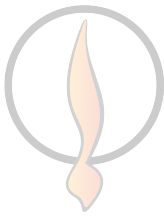
آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، نقش زنان در تأمین صلح است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که زنان در تأمین صلح نقش دارند؛ اما این نقش هنوز در جامعه افغانستان به گونه‌ای اساسی نهادینه نشده است. بر اساس بررسی‌های این نوشتار، زنان از سطح خانواده و در بعد اجتماعی با ترویج فرهنگ صلح تا سطح سیاسی و تصمیم‌گیری، در تأمین صلح می‌توانند نقش اساسی داشته باشند.

در بعد اجتماعی، زنان به عنوان نیمی از اعضای آن پس از ۲۰۰۱ به حمایت جامعه جهانی و دولت افغانستان توانسته‌اند تا جو سنتی را متحول بسازند. برای فعالان زنان به گونه غیر رسمی در زمینه‌سازی گفت‌وگوهای صلح کار کرده‌اند که یک دستاورد بالقوه برای آنان جهت مطرح کردن خواسته‌هایشان از طرف‌های درگیر در پروسه صلح و مشارکت در مذاکرات رسمی صلح محسوب می‌شود. همچنین، زنان باید کدرهای نخبه‌شان را انتخاب کنند و به دنبال سهم‌گیری فراگیر در این پروسه باشند تا این‌که صلح دائمی و پایدار در کشور تأمین شود.

منابع

۱. ابراهیمی، یعقوب (۱۳۹۷)، الگوهای حل منازعه در افغانستان: سناریوی پایان‌بخشیدن به منازعه از طریق مذاکره، کابل، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
۲. احمدی، حمید (۱۳۷۷)، «طالبان: ریشه‌ها، علل ظهور و عوامل رشد»، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۱ و ۱۳۲.
۳. اسیر، خلیل (۲۰۱۹)، «وزارت دولت در امور صلح: حکومت آینده با طالبان مذاکره می‌کند»، در در صفحه اینترنتی <https://am.af/state-department-of-peace-the-current-government-is-not-talking-to-the-taliban>، روزنامه ۸ صبح، ۲۶ اکتبر ۲۰۱۹، نشانی: <https://am.af/state-department-of-peace-the-current-government-is-not-talking-to-the-taliban>
۴. انوری، حسن (۱۳۱۲)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، تهران، انتشارات سخن، چاپ هشتم.
۵. بدون توانمندسازی زنان صلح نمی‌آید، در صفحه اینترنتی روزنامه ۸ صبح، ۹ مارچ ۲۰۱۹، در نشانی: <https://8am.af/without-the-empowerment-of-women-peace-will-not-come>
۶. بررسی نشست مسکو (۱۳۹۷)، در میزگرد انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، ۲۵ دلو ۱۳۹۷.
۷. پارتیس جینگ، حنا و ماری هیوبر (بی‌تا)، «زنان، صلح و امنیت در افغانستان؛ نگاهی به گذشته حرکت به پیش رو»، در کابل، مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی.
۸. پلان عمل ملی (۱۳۹۸)، در ریاست حقوق بشر و امور بین‌المللی زنان، وزارت امور خارجه افغانستان.
۹. جی. کالینز، جوزف (۱۳۹۶)، بازشناسی جنگ در افغانستان، ترجمه احمدرضا دانش، بی‌جا، (بی‌تا)، چاپ اول.
۱۰. حاجی خادمی و مازیار کریمی (۱۳۹۵)، «تبارشناسی جریان‌های تکفیری؛ بررسی موردی جنبش طالبان در افغانستان»، دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بیداری اسلامی، سال پنجم، شماره ۹.
۱۱. روبین، مایکل (۱۳۹۸)، «ارزیابی عملکرد تیم ترامپ برای برنامه صلح افغانستان»، در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، مهرنامه، شماره ۱.
۱۲. سجاد، تزئینه (۱۳۸۹)، «صلح به هر قیمت؟ آشتی و ادغام مجدد در افغانستان»، در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.
۱۳. شادمانی، مهدیه (۱۳۹۵)، «درآمدی بر نقش زنان در مخاصمات و استقرار صلح»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان. سال دوم، شماره ۴.
۱۴. صادقی، فاطمه (۱۳۸۴)، «سیاست برقع؛ زنان افغان پیش و پس از طالبان»، گفت‌گو، شماره ۴۴.
۱۵. صدای زنان افغان (۲۰۱۶)، در شبکه زنان افغان.

۱۶. صدر، عمر (۱۳۹۷)، فرایندهای صلح در افغانستان: دیدگاه‌های مردم، ترجمه جلیل پژواک، کابل، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
۱۷. صلح چیست؟ (۱۳۹۵)، نشریه شهروند، سال چهارم، شماره ۸۴۲.
۱۸. صلح و راه رسیدن به صلح، مرکز تحقیق و مطالعات افغانستان نوین.
۱۹. قانون اساسی افغانستان، مصوب سال ۱۳۸۲، کابل، نشر جرید، رسمی، شماره ۸۱۸.
۲۰. کریمی، حسین علی و غلام‌رضا ابراهیمی (۱۳۹۴)، نگرش و برداشت مردم افغانستان از گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان، کابل، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
۲۱. کولایی، الهه (۱۳۸۵)، «نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح در جهان»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۷.
۲۲. گانگوفسکی، یوری (۱۳۷۶)، «طالبان: نیروی جدید»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره ۱۷.
۲۳. گفت‌وگوی مردم افغانستان پیرامون صلح: ایجاد مبانی برای یک پروسه فراگیر صلح، گزارش ۳۳ صفحه‌ای توسط ۱۱ شبکه جامعه مدنی و کمیسیون حقوق بشر افغانستان، ۲۰ جوزا ۱۳۹۳.
۲۴. محمدی، سهیلا (۱۳۹۳)، «نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح»، هفته‌نامه زن افغان‌زمین، ویژه صلح، (بدون شماره).
۲۵. مشارکت زنان در پروسه صلح و امنیت، در صفحه اینترنتی روزنامه ۸ صبح، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۷، به نشانی: <https://8am.af/womens-participation-in-the-process-of-peace-and-security>
۲۶. مشارکت زنان در فرایند صلح، در صفحه اینترنتی روزنامه ۸ صبح، ۶ دلو ۱۳۹۶، به نشانی: <https://8am.af/womens-participation-in-the-process-peace>
۲۷. معین، محمد (۱۲۹۷)، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران، انتشارات نامن، چاپ دوم.
۲۸. موحد، زینب (۱۳۹۷، ۶ حوت)، «نقش زنان در صلح»، صفحه اینترنتی روزنامه ۸ صبح، نشانی: <https://8am.af/the-role-of-women-in-inpeace>
۲۹. مهدوی، جعفر (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی سیاسی طالبان (۲۰۰۱-۱۹۹۴م)، کابل، انتشارات مؤسسه تحصیلات عالی غرستان، چاپ اول.
۳۰. ناشناخته (۱۳۹۶)، بیانیه سیاسی زنان در مورد صلح، امنیت و مشارکت سیاسی، کابل، نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال.
۳۱. نکلبرگ، رابرت (بی‌تا)، افغانستان یک جنگ در خاطره‌ها، پیشکش توسط: جان لی اندرسن و همکاران. مونیخ-لندن-نیویارک: پرستل.
۳۲. وفایی‌زاده، محمدقاسم و دیگران (۱۳۹۵)، بررسی گفت‌وگوهای صلح در افغانستان در چهار دهه گذشته، کابل، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان. ۲۳ جلدی: **بنیاد اندیشه**



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴